



۲۵ سال

● قبل از انقلاب متوسط سن ازدواج مردان در سال ۱۳۴۵ با حدود ۲۵ سال بوده است.

● در سال ۱۳۵۵ با رونق نسبی در اقتصاد کشور سن ازدواج به ۲۴/۱ سال کاهش پیدا کرد.

۲۴/۱ سال

● بعد از انقلاب و هم‌زمان با جنگ تحمیلی سن ازدواج مردان در سال ۱۳۶۵ کاهش پیدا کرد.

۲۵/۶ سال

● در سال ۱۳۷۵ متوسط سن ازدواج پسران با حدود ۲ سال افزایش به ۲۵/۶ سال رسیده و در سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ با شتاب کمتر افزایش داشته و به ترتیب به ۲۶/۱، ۲۶/۷ و ۲۷/۴ سال رسیده است.

● در زنان طی چهار دهه گذشته تا سال ۱۳۹۰ سن ازدواج در حال افزایش بوده و از ۱۸/۴ سال در سال ۱۳۴۵ به ۲۳/۴ سال در سال ۱۳۹۰ رسیده است.

۲۳/۴ سال

۲۳ سال

● در سال ۱۳۹۵ متوسط سن در اولین ازدواج ۲۳ سال کمی کاهش پیدا کرد. این کاهش در مناطق روستایی، حدود یک سال بیشتر از مناطق شهری بوده است.

● در زنان هم مانند مردان بیشترین افزایش سن ازدواج در دهه ۷۵-۱۳۶۵ صورت گرفته است به طوری که در این دهه سن ازدواج زنان ۲/۵ سال افزایش یافته است. در این دهه و بعد از آن گرایش به تحصیلات مخصوصا تحصیلات تا سطوح عالی برای زنان چشمگیر بوده و باعث شده است تعداد دانشجویان دختر از دانشجویان پسر پیشی بگیرد.

۲/۵ سال

۲۶/۵ سال



● میانگین سن در زمان ازدواج برای بهار ۱۴۰۲ در مردان ۳۰/۷ سال و در زنان ۲۶/۵ سال ثبت شده است.

۳۰/۷ سال



کارشناسانه

- ترس از ازدواج امروزه به دلیل ناپایدار بودن بسیاری از زندگی‌های مشترک در جامعه ما باعث شده که افراد نتوانند با آرامش و تمرکز به این موضوع فکر کنند.
- گاهی والدین جوانان می‌توانند حتی ناخواسته باعث شوند که فرزندان‌شان هیچ وقت به ازدواج فکر نکنند. مشاغل، بحث‌ها و حتی حمایت بیش از حد از فرزندان باعث این اتفاق می‌شود.
- تمایل نداشتن به قبول مسئولیت‌های زندگی مشترک به عنوان همسر و پدر و مادر از دیگر مواردی است که باعث شده امروزه افراد اقبال کمتری به ازدواج نشان دهند.
- بهانه‌های اغلب پسران برای ازدواج نکردن نداشتن شغل خوب و در نتیجه درآمد کافی، نرسیدن به سن مناسب برای ازدواج، نداشتن خانه و پیدا نکردن مورد مناسب برای ازدواج است.
- بهانه‌های اغلب دختران برای ازدواج نکردن هم اصرار بر اتمام تحصیلات عالی، در جست‌وجوی عشق قبل از ازدواج بودن، اعتماد نداشتن به مردان برای شروع یک زندگی مشترک و نرسیدن به سن مناسب برای ازدواج است.
- ازدواج‌رانی توان یک سرمایه اجتماعی تلقی کرد که زن و مرد بر پایه یک سلسله‌باورها، ارزش‌ها و روابط اجتماعی به طور مشترک سرمایه‌گذاری می‌کنند.
- ازدواجی که در بستر و شرایط مناسب اجتماعی، بر پایه عشق، ایمان، اعتماد و تعهدات متقابل استوار شده و مبتنی بر سیستم پیچیده‌ای از وابستگی‌های دوجانبه است، پیامدهای اجتماعی آن نیز قابل پیش‌بینی و مطلوب خواهد بود، بنابراین خطر پذیری آن هم کاهش پیدا می‌کند.

هزار و یک جور سنگ اندازی

مرتضی ۲۷ ساله - کارمند

شما فکر می‌کنید ما پسرها اهل ازدواج نیستیم یا مسئولیت قبول نمی‌کنیم، ولی هیچ چیز به اندازه داشتن یک همسر عقیف برای ما پسرها مهم نیست. واقعا خیال نکنید که همه ما هادنیال روابط بدون تعهد هستیم. مشکل این است که هر جا رفته‌اند شکار به جای خواستگاری! از طلا که الان کلی گران شده تا خانه و مجلس آن چنانی! خوب مگر می‌شود! من با ماهی ۱۵ میلیون تومان حقوق فقط یک سال باید کار کنم تا بتوانم یک سرویس طلا بخرم! بعد خودتان حساب کنید چند سال باید کار کنم که به ماشین و خانه برسد! خدایی کلاهتان را قاضی کنید!

چون دخل به خرج نمی‌رسد

محضر رضا ۳۷ ساله - کتاب‌دار

یک موقعی بود که دخترهای گفتند مگه دست ماست که ازدواج کنیم! پسرها باید ببینند خواستگاری اولی الان ازدواج دیگر دست ما پسرها هم نیست. کلا از دست خانواده‌ها در رفته است و ما فقط می‌دانیم که نمی‌توانیم ازدواج کنیم چون دخل به خرج نمی‌رسد که مسئولیت یک زندگی را قبول کنیم.

خودت خبر بده

حمیدرضا ۳۲ ساله - شغل آزاد

من چون باید روی درآمد همسر برای زندگی حساب کنم ازدواج نمی‌کنم! وقتی خودت هستی و خودت هر چقدر در آوردی را خرج می‌کنی، ولی وقتی یک نفر دیگر هم هست باید حواست باشد. من چون واقعا می‌دانم که روی یک درآمد مشخص نمی‌توانم حساب کنم و اوضاع بازار خیلی معلوم نیست باید یک همسر کارمند با حقوق ثابت بگیرم که اهل خرج کردن درآمدش در خانه باشد که بعید می‌دانم همچنین دختری پیدا شود! مادر می‌داند که مدتی خواستگاری می‌رفت ولی بعد گفت ماما جان خودت اگر کسی را پیدا کردی که با شرایط تو کنار بیاید خبر بده!